

«شرق» بررسی کرد

تهران و تغییر متن توافق اروپایی‌ها

عبدالرحمن فتح‌الهی؛ پیترا استانوا، سخنگوی جوزپ بورل (مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا) عنوان کرد: گفت‌وگوها اکنون تمام شده و دیگر چیز قابل مذاکره‌ای وجود ندارد. همه چیز در متن نهایی که روز دوشنبه به مشارکت‌کنندگان در مذاکرات وین تقدیم شد، مشخص است؛ پس هیچ موضوع قابل مذاکره‌ای با ایران نمانده است». این یکی از تازه‌ترین اظهارنظرهایی است که نشان می‌دهد اروپایی‌ها کماکان بر نهایی‌بودن متن توافق خود اصرار دارند. در مقابل مجموعه مواضع برخی از مقامات و نیز خروجی رسانه‌های داخلی وابسته به دولت و شورای عالی امنیت ملی حکایت از آن دارد که نه‌تنها متن ادعایی غرب نمی‌تواند متن نهایی باشد؛ بلکه حتی برخی رسانه‌ها پیشاپیش شکست گفت‌وگوهای هتل کوبورگ را اعلام کرده و بر این باورند که علاوه بر پاسخ رد به این متن توافق بورل، باید کل مذاکرات برای احیای برجام را کنار گذاشت. براینده فضای سیاسی و رسانه‌ای داخلی دربارهٔ حصول توافق در ۴۸ ساعته‌ی که از پایان نشست وین می‌گذرد، به گونه‌ای بوده که برخی اعتقاد دارند عملا احیای برجام در دستور کار تهران نیست.

گفت‌وگوهای وین شکست خورده است؟

با وجود آنکه بسیاری معتقدند در این دور از گفت‌وگوهای وین پیشرفت‌هایی حاصل شد و حتی طرف ایرانی هم بر فضای مثبت این دور از نشست‌ها درخصوص احیای برجام اذعان داشت؛ اما نهایتا این نشست هم بدون دستاورد خاصی پایان یافت؛ بنابراین دور جدید مذاکرات نیز مانند ادوار پیشین نمی‌تواند به احیای برجام کمکی کند. از این نظر باید مذاکرات وین را شکست‌خورده دانست؛ ادعایی که بسیاری از رسانه‌های رادیکال داخلی در دو روز گذشته بر آن تاکید فراوان دارند؛ اما تا چه اندازه باید گفت‌وگوهای وین را شکست‌خورده دانست؟ یوسف مولایی پاسخ به این سؤال را با نگاهی بدبینانه می‌دهد و در کپ‌گفتش با «شرق» معتقد است: «گفت‌وگوهای برجام دیگر هیچ مسیر و روند مشخصی ندارد و از هیچ کسی هم فرمان نمی‌گیرد؛ چراکه قایق این گفت‌وگوها با هفت پاروزن عملا مسیر سردرگمی را طی می‌کند. به دلیل آنکه هرکدام از این هفت پاروزن در راستای اهداف و منافع خود پارو می‌زند؛ بنابراین مذاکرات احیای برجام قطر دور خود می‌چرخد و بعد از ۱۷ ماه مذاکره، نشست وین درست در همان نقطه‌ای قرار دارد که روز اول قرار داشت».

این استاد حقوق بین‌الملل می‌گوید: «با در نظر داشتن تمام تحولات و اتفاقاتی که در ۱۷ ماه از مذاکرات احیای برجام می‌گذرد، نباید به احیای برجام خوش‌بین بود، چون ما کماکان با سؤالات، ابهامات و تضاد منافع طرفین روبه‌رو هستیم و هیچ‌گونه نقطه امیدی برای حصول توافق وجود ندارد. پس اگرچه نباید پیشاپیش حکم قطعی برای شکست مذاکرات وین و همچنین بست‌بست کامل در گفت‌وگوها، ولو با پیشرفت‌هایی که در جریان پنج روز نشست اخیر وین حاصل شد، داد؛ با این حال نباید نسبت به احیای برجام خوش‌بین همسو با یوسف مولایی

امریعلی ابوالفتح نیز در تکرش‌های همسو با یوسف مولایی اذعان دارد: «اگرچه نمی‌توان از واژه شکست قطعی برای مذاکرات وین استفاده کرد؛ اما به واقع امید چندانی برای احیای توافق هسته‌ای و لغو تحریم‌ها وجود ندارد». این کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگوی خود با «شرق» توپ شکست احتمالی مذاکرات را به زمین آمریکا می‌اندازد. او در این زمینه معتقد است: «باید دولت بایرگن را مقصر اصلی شکست احتمالی مذاکرات وین و تأخیر در احیای برجام دانست؛ پس فلاح از اینکه در ۱۷ ماه گذشته، چه در دولت روحانی و چه در دولت رئیسی مسیر مذاکرات چگونه بوده است و جدای از اینکه در دور جدید گفت‌وگوهای وین در آن پنج روز چه مسائلی رویدل شده، باید گفت که دولت بایدن در شرایط کنونی اساسا تودل و تمایلی برای احیای برجام ندارد».

کارشناس مسائل آمریکا برای تبیین چرایی مقصر جلوه‌دادن آمریکا در شکست مذاکرات وین به «شرق» می‌گوید: «اساسا ساختار سیاسی ایالات متحده در دولت دونالد ترامپ از برجام خارج نشد که بخواد دوباره به همان برجام سال ۲۰۱۵ برگردد؛ هدف اصلی و واقعی هیئت حاکمه در آمریکا ایجاد برجام جدید به موازات برجام‌پلاس و همچنین شکل‌دهی به برجام‌های ۲۰۱۲ و… است. همه چیز غیر از برجام سال ۲۰۱۵؛ بنابراین هیچ چشم‌انداز روشنی در دولت بایدن برای احیای برجام و حصول توافق در مذاکرات وین وجود ندارد؛ پس باید ادعای اخیر آمریکایی‌ها مبنی بر پذیرش متن توافق مدنظر اتحادیه اروپا و جوزپ بورل یک بازی سیاسی و رسانه‌ای دانست. در حالی است که برعکس ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران هم در دولت روحانی و هم در دولت رئیسی به طور مکرر و صریح عنوان داشته‌اند که خواهان احیای برجام سال ۲۰۱۵، نه یک کلمه کمتر و نه یک کلمه بیشتر هستند. پس نباید با استناد به برخی موضع‌گیری‌های اروپایی‌ها در دور جدید مذاکرات در چند روز گذشته این‌گونه تصور شود که ایران به دنبال عدم احیای برجام و در تأخیر در حصول توافق است؛ چون آنچه اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها مطرح می‌کنند، فراتر از برجام سال ۲۰۱۵ است».

تهران تاکی فرصت جواب دارد؟

اگرچه پیس از پایان دور جدید گفت‌وگوهای هسته‌ای و بازگشت هیئت‌های مذاکره‌کننده به پایتخت‌های خود هیچ ضرب‌الاجل و بازه زمانی برای بازگشت به وین و نیز پاسخ نهایی درباره پذیرش یا رد متن مدنظر اتحادیه اروپا مطرح نشده است؛ اما بسیاری معتقدند از نظر سیاسی و دیپلماتیک یک فرجه بسیار محدودی در اختیار طرف‌ها با محوریت تهران و واشنگتن و به‌خصوص ایران قرار دارد؛ اما این فرصت زمانی برای پاسخ‌گویی ققدر است؛ به‌ویژه جمهوری اسلامی تا چه زمانی فرصت دارد این متن مدنظر اروپایی‌ها را بررسی کرده و به آن جواب دهد؟ چراکه این گزاره مطرح است که منتهی‌الیه فرصت ایران تا پیش از برگزاری نشست فصلی شورای حکام در سپتامبر (اواخر شهریور ماه)، یعنی چیزی در حدود یک ماه است.

امریعلی ابوالفتح در این زمینه بر نبود ضرب‌الاجل زمانی برای ایران برای پاسخ به متن مدنظر اروپایی‌ها تاکید دارد و در همین راستا معتقد است: «نمی‌توان هیچ‌گونه فرجه زمانی را



توان لازم را ایجاد کند». این کارشناس ارشد مسائل بین‌الملل در تشریح نکته اول خود می‌گوید: «این احتمال وجود دارد که آنچه اروپایی‌ها از آن به‌عنوان متن مدنظر و نهایی خود برای حصول توافق و احیای برجام یاد می‌کنند، نه یک متن اروپایی با ابتکار عمل جوزپ بورل، بلکه یک متن آمریکایی باشد؛ چون با شناختی که از آمریکایی‌ها وجود دارد، این کشور اساسا هیچ توافقی را امضا نمی‌کند که با ابتکار عمل، خواست و اراده دیگر کشورها، حتی کشورهای اروپایی و اتحادیه اروپا صورت گرفته باشد. بنابراین باید گفت متن ادعایی، نه متن بورل و اروپایی‌ها، بلکه متن آمریکایی‌هاست که شاید در برخی از جزئیات آن مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نکاتی را طرح کرده باشد تا در نهایت آن را به‌عنوان متنی به ابتکار بورل به ایران جا بزنند. از همین رو است که سکوت همه مقامات آمریکایی و شخص رابرت مالی در دور جدید مذاکرات احیای برجام و در پنج روز گفت‌وگوهای وین، معنا پیدا می‌کند؛ چراکه متن مدنظر، نه متن اروپایی که متن آمریکایی بوده است و از قبل همه مفاد و جزئیات آن برای آمریکایی‌ها روشن بود».

نکته دیگری که ابوالفتح به «شرق» می‌گوید، ناظر بر توان تهران برای ایجاد تغییرات مدنظر خود در متن ادعایی اروپایی‌هاست. این تحلیلگر ارشد مسائل آمریکا عنوان می‌کند: «ایران از این‌توان لازم برخوردار است و مؤید آن نیز به مذاکرات شکل‌گیری برجام و همچنین مذاکرات احیای برجام بازمی‌گردد؛ یعنی ایران از آن میزان توان برخوردار بوده است که شش برقدرت جهانی را پای میز مذاکره بنشانند. ازاین‌رو برخی ادعاهای چند روز گذشته را مبنی بر اینکه متن پیش‌رو یک متن نهایی است و مفاد و جزئیات آن غیرقابل مذاکره و غیرقابل تغییر است، باید یک تردند سیاسی و رسانه‌ای دانست. ایران به‌عنوان یکی از اعضای اصلی برجام با مهم‌ترین عضو نه‌تنها تا پیش از برگزاری نشست فصلی شورای حکام در ماه سپتامبر فرصت دارد که به متن اروپایی‌ها جواب نهایی خود را بدهد، بلکه این احتمال را باید داد که حداکثر زمان واقعی برای پاسخ نهایی تهران چیزی در حدود یک یا نهایتا دو هفته است. در غیراین‌صورت جامعه جهانی سکوت ایران را به‌عنوان جواب رد از سوی جمهوری اسلامی تلقی می‌کند».

جمهوری اسلامی توان تغییر متن نهایی ادعایی اروپایی‌ها را دارد؟
اصرار اروپایی‌ها بر نهایی‌بودن متن توافق در مذاکرات وین همچنان با مخالفت ایران همراه است؛ چراکه تهران اعتقاد دارد این متن، متن نهایی نیست و باید درخصوص برخی مفاد و بندهای آن بررسی‌های لازم و تغییرات احتمالی شکل بگیرد. در این صورت آیا جمهوری اسلامی توان لازم سیاسی و دیپلماتیک را برای تحمیل متن مدنظر خود یا اعمال تغییرات خود را در توافق اروپایی‌ها دارد؟

یوسف مولایی این سؤال «شرق» را به توان سیاسی و وزن دیپلماتیک کشورها در نظام بین‌الملل گره می‌زند و در این زمینه تاکید دارد: «بازاوتر تعیین‌کننده در جریان مناسبات جهانی به قدرت کشورها در سطح منطقه بازمی‌گردد و چون ایران اکنون در برابر شش قدرت نظامی و اقتصادی جهان در نشست وین قرار دارد، احیانا توان چندان گسترده‌ای برای اعمال تغییرات احتمالی مدنظر خود در متن اروپایی‌ها را ندارد». البته این حقوق‌دان گریزی هم به سوی سناریویی احتمالی می‌زند و به «شرق» می‌گوید: «شاید اصرار اروپایی‌ها به نهایی‌بودن متن پیش‌رو یک بازی روانی، رسانه‌ای و سیاسی باشد تا ایران کمترین تغییرات را در کوتاه‌ترین زمان ارائه دهد. البته این یک احتمال است و شاید به واقع اروپایی‌ها اعتقاد دارند آنچه در پنج روز مذاکرات اخیر در وین بر روی آن گفت‌وگو شده است، بهترین، کامل‌ترین و نهایی‌ترین متنی باشد که جای هیچ‌گونه بحث، مذاکره و چانه‌زنی مجددی ندارد و آمریکا و به‌خصوص ایران باید یا آن را رد کنند یا اینکه بپذیرند».

استاد حقوق بین‌الملل در ادامه خاطرنشان می‌کند: «هیچ‌گونه روند مشخصی برای تغییر و اصلاح مفاد برجام وجود ندارد؛ یعنی از نظر حقوقی هیچ روبه مشخصی برای تغییر شکلی و محتوایی توافق هسته‌ای پیش‌بینی نشده است. بنابراین باید طرفین با حسن نیت نسبت به تغییرات لازم در متن توافق جدید برخورد کنند تا برجام احیا شود. بااین حال، باید این نکته را هم در نظر گرفت که وقتی در یک پرونده مانند برجام، هفت طرف وجود دارد که اکثریت آنها حتی روسیه و چین با متن ادعایی جوزپ بورل همراه هستند و آن را پذیرفته‌اند، ایران از توان چندانی برای اعمال تغییرات به‌خصوص تغییرات گسترده برخوردار نیست. بنابراین سخت‌گیری تهران در اعمال تغییرات احتمالی یا حتی رد این توافق چندان قابل توجیه نخواهد بود».

برخلاف آنچه یوسف مولایی به «شرق» گفت، امیریعلی ابوالفتح با استناد به دو نکته اعتقاد دارد: «ایران نباید متن مدنظر اروپایی‌ها را بپذیرد و به موازات آن اتفاقا تهران توان لازم را برای ایجاد تغییرات مدنظرش در این متن دارد و اینکه اگر هم چنین توانی وجود نداشته باشد، جمهوری اسلامی باید



ارشد مسائل بین‌الملل به «شرق» می‌گوید: «باید یک تفاوت جدی و تمایز اساسی بین داشتن مباد لازم برای ساخت سلاح هسته‌ای از سوی ایران با توان فنی ساخت کلاهک اتمی قائل بود. اگرچه بر طبق گزارش‌ها و اسناد و همچنین مواضع مقامات داخلی و بین‌المللی، ایران اکنون از مواد لازم برای ساخت سلاح هسته‌ای و تولید یک تا سه کلاهک اتمی نقطه یعنی گریز هسته‌ای و ساخت سلاح اتمی حداقل به دو سال زمان نیاز دارد. این نکته‌ای است که حتی در مقاله هیود

باراک برای نشریه تایم نیز به آن اشاره شده بود. نخست‌وزیر اسبق اسرائیل در آن نوشته تاکید کرده است ایران مواد لازم را برای ساخت سلاح هسته‌ای و تولید یک تا سه کلاهک اتمی در اختیار دارد و می‌تواند در بازه سه‌هفته‌ای این مواد را تهیه کند، اما برای ساخت سلاح اتمی و سوارکردن بر موشک یک فاصله زمانی دوساله نیاز است. به همین دلیل باراک معتقد بود باید با حمله گسترده نظامی به تمام تأسیسات هسته‌ای ایران، این فرصت سه‌هفته‌ای تا پایان تابستان برای کامل‌کردن مواد لازم در جهت ساخت سلاح هسته‌ای را از ایران گرفت. پس باید دید آنچه از آن به‌عنوان نقطه گریز هسته‌ای یاد می‌شود، گریز هسته‌ای درخصوص تولید مواد لازم برای ساخت سلاح اتمی است یا گریز هسته‌ای برای تولید کلاهک؟ اگر منظور از گریز هسته‌ای رسیدن ایران به مواد لازم برای ساخت سلاح هسته‌ای باشد، تهران یا هم‌اکنون این توان را پیدا کرده است یا به گفته باراک اگر جمهوری اسلامی امروز بخواهد آن را شروع کند، ظرف کمتر از سه هفته به آن نقطه دست پیدا می‌کند. اما مسئله گریز هسته‌ای یعنی تولید کلاهک اتمی که بتواند روی موشک سوار شود، به یک فرجه زمانی دوساله نیاز دارد.»

نکته دیگری که این کارشناس بر آن تاکید دارد، این است که «قطعا اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها نمی‌توانند ادعا کنند ایران به دلیل پیشرفت‌هایش در فعالیت‌های هسته‌ای و به تبع آن شکل‌گیری اختلافات پادمانی کنونی باید به راستی آزمایش فنی تم بدهد تا غرب مسئولیت خود را در آژانس بین‌المللی انرژی اتمسی حواله دهد و از زیر بار تعهدات شانه خالی کند و بگوید مسئله پادمانی در حوزه سیاسی و دیپلماتیک نیست.» این استاد دانشگاه در ادامه می‌گوید: «اتفاقا مسائل فنی هسته‌ای و پادمانی ایران با مسائل سیاسی و دیپلماتیک برجام در هم تنیده است؛ مگر می‌شود بین این دو تفاوت قائل شد؟ بنابراین همان‌گونه که اروپایی‌ها، آمریکا و اسرائیل با یک تکرش سیاسی و دیپلماتیک روی فعالیت‌های فنی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شخص رافائل گروسی تأثیر می‌گذارند و سبب شده‌اند آژانس و مدیرکل آن از رفتار فنی به رفتار سیاسی مخربی علیه جمهوری اسلامی ایران گرایش پیدا کنند، در همین راستا بدون شک پای اروپایی‌ها و آمریکا علاوه بر مناسبات سیاسی و دیپلماتیک احیای برجام در چارچوب مسائل فنی و پادمانی پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران نیز گیر است؛ این دو به هم گره خورده‌اند. اتفاقات فعالیت‌های هسته‌ای حال حاضر ایران به دلیل رفتار سیاسی دونالد ترامپ در خروج از برجام شکل گرفته است. اگر آمریکا به تعهدات خود پایبند بود و اروپایی‌ها هم در عمل به وعده‌هایشان درست رفتار می‌کردند، ایران به این نقطه نمی‌رسید. بنابراین این‌گونه نیست که تهران بخواهد با هدف حل اختلافات پادمانی، تمام داشته‌های هسته‌ای خود را ذیل رفتار فنی (بخوانید سیاسی) آژانس واگذار کند و از آن طرف روی تعهدات دیپلماتیک اروپا و آمریکا به قول‌های نسبی و نیم‌بندشان برای انتفاع اقتصادی از احیای برجام حساب باز کرده و توافق مدنظر اروپایی‌ها را بپذیرد.»

نکته مهم‌تری که ابوالفتح به «شرق» گوشزد می‌کند، در رابطه با PMD است؛ او در این راستا تصریح می‌کند: «قطعا PMD که قرار بود با شکل‌گیری برجام بسته شود و اکنون دوباره باز شده است، در آینده نیز به‌عنوان اهرم فشار علیه ایران استفاده خواهد شد؛ چون اگر اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها می‌خواستند با تضمین سیاسی PMD را ببندند، اکنون به شائبه ایجاد نظامی فعالیت‌های هسته‌ای ایران اشاره نمی‌کردند، اتفاقا یکی از دلایلی که باعث شد است اروپا و آمریکا از دادن تضمین سیاسی و دیپلماتیک برای بستن PMD شانه خالی کنند، این است که به‌ویژه ایالات متحده در آینده قصد دارد دوباره به بهانه‌های واهی این پرونده را با ادعای جدید از سوی اسرائیل یا اسناد جاسوسی منافقین و نظایر آن باز کند تا هم فشارها را به ایران افزایش دهد و هم توجیهی برای بازگرداندن تحریم‌هایی باشد که احتمالا در صورت امتضای توافق باید آنها را لغو کند. پس مطمئن باشید PMD بسته نخواهد شد. در چنین فضایی، معلوم است که مسائل پادمانی یا تلاش برای بستن PMD در جریان دور جدید مذاکرات تا چه اندازه اهمیت دارد و ایران باید تضمین‌های لازم را در این خصوص هم از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و هم از اروپا و آمریکا بگیرد؛ همان‌گونه که باید تضمین‌های لازم درخصوص لغو تحریم‌ها و عدم خروج مجدد آمریکا از برجام گرفته شود.»

خبر

مسئولان درگذشت امیرهوشنگ ابتهاج را تسلیت گفتند

رئیس‌جمهور در پیامی درگذشت شاعر پرآوازه کشورمان، مرحوم امیرهوشنگ ابتهاج را به خانواده، جامعه فرهنگی و هنری و مردم ادب‌پرور ایران تسلیت گفت. سیدابراهیم رئیسی در پیامی با تسلیت درگذشت شاعر پرآوازه کشورمان، مرحوم امیرهوشنگ ابتهاج تصریح کرد: این غزل‌سرا و پژوهشگر ادبی که فصل ماندگاری در غزل فارسی ایجاد کرد، با خلق آثار ادبی فراوان به‌ویژه با مضامین اجتماعی و حماسی و ترویج روحیه آزادی‌خواهی و استکبارستیزی در کنار لطافت عاشقانه آثارش، نقش مؤثری در حفظ گنجینه غنی ادبیات فارسی و ترویج و گسترش فرهنگ ایران داشت. متن پیام رئیس‌جمهور به شرح زیر است: «درگذشت شاعر پرآوازه کشورمان، مرحوم امیرهوشنگ ابتهاج موجب تأسف و تألم خاطر شد.این غزل‌سرا و پژوهشگر ادبی که فصل ماندگاری در غزل فارسی ایجاد کرد، با خلق آثار ادبی فراوان به‌ویژه با مضامین اجتماعی و حماسی و ترویج روحیه آزادی‌خواهی و استکبارستیزی در کنار لطافت عاشقانه آثارش، نقش مؤثری در حفظ گنجینه غنی ادبیات فارسی و ترویج و گسترش فرهنگ ایران داشت و نام خود را در تاریخ ادبیات و هنر ایسن مرز و بوم ماندگار کرد. این‌جانب فقدان این چهره فرهیخته را به خانواده محترم، جامعه فرهنگی و هنری و مردم ادب‌پرور ایران تسلیت عرض می‌کنم و از درگاه خداوند برای ایشان رحمت و رضوان الهی و برای بازماندگان صبر و سلامتی مسئلت دارم.» رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در پیامی درگذشت امیرهوشنگ ابتهاج، شاعر نامدار ایران را تسلیت گفت. متن این پیام به شرح زیر است: «درگذشت شاعر نامدار و شیرین‌سخن استاد امیرهوشنگ ابتهاج را به خانواده و دوستان ایشان و تمامی دوستداران شعر و ادب فارسی تسلیت می‌گویم. ه.الف. سایه با اشعار خود، پاسدار میهن‌دوستی و مروج فرهنگ و ادب اصیل ایرانی بود. خدایش بیامرزد و او را با سیدالشهدا(ع) هم‌نشد.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در پیامی درگذشت امیرهوشنگ ابتهاج (سایه) شاعر نامدار ایرانی را تسلیت گفت. متن پیام محمدمهدی اسماعیلی به شرح زیر است: «خبر درگذشت استاد امیرهوشنگ ابتهاج متخلص به «سایه» از شاعران و ادیبان ارجمند کشورمان موجب تأسف و تأثر بسیار شد. تردیدی نیست که شعرهای فاخر و شورانگیز زنده‌یاد ابتهاج جایگاهی بلند در شعر و ادب معاصر دارد و از صولت و صلابت سترگی برخوردار است. ایشان به مدد ذوق خدادادی، استادانه مضامین اجتماعی را در شعر فاخر خویش به کار گرفت و با سرودن تصنیف‌های ماندگاری همچون «سپیده»، «ایران ای سرای امید» از زمره شاعرانی بود که به سرزمین گهربار خویش صمیمانه عشق می‌ورزید. این‌جانب فقدان این شاعر گرامی و صاحب‌فکر را به خانواده داغدار ایشان و خانواده بزرگ فرهنگ و هنر و ادب ایران اسلامی و همه پارسی‌زبانان در جای‌جای جغرافیای جهان تسلیت می‌گویم و از خداوند متعال علو درجات را برای آن مرحوم و صبر و اجر جزیل را جهت بازماندگان و علاقه‌مندان مسئلت می‌نمایم.»

امیرهوشنگ ابتهاج، متخلص به «سایه»، متولد ششم اسفند ۱۳۰۶ در رشت است. این شاعر نخستین اثرش به نام «نخستین نغمه‌ها» را در سال ۱۳۲۵ منتشر کرد. از دیگر آثار او به «سراب»، «سایه‌مشق»، «شعبگیر»، «زمین»، «چند برگ از پلدا»، «تا صبح شب پیدا»، «یادگار خون سرور» و… می‌توان اشاره کرد. یکی از معروف‌ترین سروده‌های او «ارغوان» است که در قالب آثار موسیقایی نیز عرضه شده است.

یادداشت

در این سرای بی‌کسی کسی به در نمی‌زند

به بهانه در گذشت هوشنگ ابتهاج (ه. الف. سایه)



علی ربیعی

با برخی از آدم‌ها هیچ‌کس زندگی نمی‌کند، با برخی دیگر، یک خانواده با تعدادی محدود زندگی می‌کند، اما با برخی از آدم‌ها یک جامعه و نسل‌های مختلف زیست می‌کند. بسیاری از آدم‌های این چنینی تنها از یک بُعد و جنبه با اجتماع ارتباط گرفته‌اند، اما هوشنگ ابتهاج از جنس آدم‌هایی است که در ذهن و دل آدم‌های چند نسل از ابعاد مختلف جای گرفته است.

هوشنگ ابتهاج در کنار جامعه با تمام دردها و نیازهای مردمش حضور داشت. او سایه مردم شد. شاعری که فقط غزل و نیمیایی نمی‌سرود؛ طی دهه‌ها به‌عنوان یک کنشگر سیاسی و اجتماعی عمل کرد و حماسه آفرید. او یک میانجی اجتماعی بود.

من این روزها درباره میانجی‌های اجتماعی و به تکرانی از خلأ وجود آزاد می‌اندیشم.

آدم‌هایی که برخی اوقات عملکردی مهم‌تر و مؤثرتر از نهادهای اجتماعی دارند.

میانجی‌های اجتماعی معمولاً انسان‌های چندبعدی هستند که بر ابعاد مختلف زندگی اثر می‌گذارند. ابتهاج به لحاظ چندبعدی‌بودنش به‌عنوان یک میانجی اجتماعی تسکین‌دهنده و آرام‌بخش عمل می‌کرد.

دریغناکی بزرگ کم‌شدن و کم‌شدن ایمن میانجی‌های اجتماعی امروز ما است.

سال‌هاست آدم‌های این چنین، کمتر سر برمی‌کشند و آنچه هم که داریم و سرمایه‌هایی همچون سایه، شیعی‌دکنکی و… در کش‌وفوس‌های تاریخی به وجود آمده و بالیده‌اند.

ما به آدم‌های بزرگی که در زیر سایه‌سارشان مردم با آنها زندگی کنند نیاز داریم. فقدان این شاعر بزرگ و اندیشمند مردمی را به خانواده ایشان و تمامی فارسی‌زبانان خصوصاً ایرانیان تسلیت می‌گویم.